

رفاه‌زدگی، یک آزمون الهی



با مطالعه و جستجو در تاریخ، در یک دوره، با مردمانی مواجه می‌شویم که از مستی نعمت‌هایی که به آنها رسیده بود، دچار رفاه‌زدگی و دنیا‌مداری و غفلت از آخرت شده بودند. این نوشتار تنها مروری بر اندیشه استاد مطهری در باب رفاه و چشم‌اندازی است که رفاه‌زدگان از آن، جهان را می‌نگرند. ایشان در آثار خود نه تنها با رفاه‌زدگی مخالف هستند بلکه دنیای حقیر رفاه‌زدگان را بشدت نفی می‌کنند.

با مطالعه و جستجو در تاریخ، در یک دوره، با مردمانی مواجه می‌شویم که از مستی نعمت‌هایی که به آنها رسیده بود، دچار رفاه‌زدگی و دنیا‌مداری و غفلت از آخرت شده بودند. این نوشتار تنها مروری بر اندیشه استاد مطهری در باب رفاه و چشم‌اندازی است که رفاه‌زدگان از آن، جهان را می‌نگرند. ایشان در آثار خود نه تنها با رفاه‌زدگی مخالف هستند بلکه دنیای حقیر رفاه‌زدگان را بشدت نفی می‌کنند.

رفاه زدگی و بلاهت

هر لحظه از زندگی ما با به دست آوردن نعمت‌ها یا از دست دادن آنچه داشته ایم، می‌گذرد و تمام این به دست آوردن‌ها و از کف دادن‌ها، بر اساس قوانین الهی و شیوه عملکرد خودمان صورت می‌گیرد. پس از آن که به نعمتی می‌رسیم، نحوه برخورد ما با آن، سبک زندگی مان را مشخص می‌کند. نعمت‌ها می‌توانند مایه سعادت باشند یا مایه بدبختی و بیچارگی. اگر نعمت‌ها فراوان باشند و فرد پیوسته در داشته‌های نه چندان ضروری یا کاملاً غیرضروری پیشروی کند، دچار رفاه زدگی می‌شود و به عیاشی و تن‌پروری می‌افتد.

از نظر شهید مطهری یکی از آثار این سبک زندگی، رسیدن به «فلسفه پوچی» و خودکشی است زیرا چنین کسانی وقتی هنوز با رنج آشنا نشده‌اند، به لذت‌های بزرگی دست می‌یابند که قدرت لذت بردن از آنها را ندارند. استاد می‌گوید: «طبقه مرفه، لذت حیات و ارزش زندگی را درک نمی‌کند؛ زیبایی عالم را احساس نمی‌کند؛ معنی حیات و زندگی را نمی‌فهمد. لذت و رفاه بیش از اندازه، انسان را بی‌حس کرده، به صورت یک موجود کرخ و ابله درمی‌آورد.... کسانی که خودکشی را به حساب حساسیت می‌گذارند، باید بدانند که این «حساسیت» چه نوع حساسیتی است؟ حساسیت آنها حساسیت ذوق و ادراک نیست؛ به این معنی نیست که فهم لطیف‌تری دارند و چیزهایی را درک می‌کنند که دیگران درک نمی‌کنند؛ حساسیت آنها به این معنی است که در مقابل زیبایی‌های جهان، بی‌احساس و کرخ و در مقابل سختی‌ها زودرنج و کم‌مقاومت‌اند.» (ج 1، ص: 187)

حال سوال این است که چطور می‌شود رفاه بیش از حد برخلاف ظاهرش - که آرزوی بسیاری از مردمان است - موجب شود فرد به موجودی بی‌حس و ابله تبدیل شود؟ شهید مطهری می‌گوید: «مردم وقتی که به رفاه زیاد و عیش و تنعم عادت کردند، خصلت عیش و تنعم و رفاه‌زدگی، کم‌حوصلگی و کم‌صبری و زودرنجی و پرتوقعی و امثال اینهاست.» (ج 27، ص: 800)

این است که رفتارهای عجیب از سوی رفاه‌زدگان دیده می‌شود، هرچند سعی در پنهان کردن آن داشته باشند.

تاریخ آزمایش در برابر نعمت

وقتی صحبت از رفاه و رفاه‌زدگی می‌شود یک مثال تاریخی بارها در آثار شهید مطهری به چشم می‌خورد و آن ماجرای دوران پیامبر اسلام و سختی‌های آن، و دوران امیرالمومنین و فراوان شدن نعمت‌ها بوده است. صحبت از این است که عده‌ای برایشان سوال شده بود: چرا برای ما که همراه امام علی هستیم، نصرت خدا فرا نمی‌رسد؟ مگر همین همراه بودن کافی نیست؟

پاسخ صریح و بی‌پرده این است: خیر. هر روز آزمایش‌ها به صورتی است. زمانی بود که مسلمانان در کنار پیامبر بودند و سختی‌های بسیار دیدند، و در راه خود استقامت نشان دادند. گاهی شرایط به سود یاران پیامبر بود و به ضرر دشمنان و گاهی بر عکس، ولی با وجود اینها همراهان حضرت، عقب‌نشینی نکردند پیش رفتند تا جایی که اثبات کردند در این راه ثابت قدم هستند و تا وقتی صدق نیاتشان به ظهور رسید یعنی واقعاً آنچه باید از درونشان بجوشد جوشید، آن وقت خداوند پیروزی خودش را بر آنها نازل کرد.

حال به دورانی رسیده‌اند که دیگران لشکرکشی‌هایی را شروع کرده‌اند، (کاری که معلوم نیست اگر علی علیه السلام روی کار آمده بود این کار را می‌کرد. درست است، اگر امام در جای خودش مصلحت بداند لشکرکشی و فتوحات می‌کند ولی امام، اول زیرپا را محکم می‌کند یعنی مردم را خوب می‌سازد، بعد شروع به این کارها می‌کند.) و غنایم فراوانی رو به سرزمین‌های اسلامی جاری شده است. اکنون آزمایش جدیدی در راه است. شهید مطهری با اشاره به آزمایش‌های پیاپی که لازم است شخص در تمام آنها موفق شود تا سعادتمند گردد، می‌گوید: «گاهی انسان به همین مرحله قناعت می‌کند، می‌گوید: مردمی ایمان می‌آورند؛ بعد تجربه، خیلی خوب در موردشان صورت می‌گیرد؛ آزمایش می‌شوند، از کوره خیلی صحیح و عالی بیرون می‌آیند، بعد وعده خدا درباره آنها راست می‌شود یعنی آن وقت خداوند متعال درهای رحمت و نصرت خودش را روی آنها باز می‌کند. آیا دیگر کار تمام شد؟ نه، کار بشر تمام‌شدنی نیست. بعد که به این مرحله رسید، تازه خود این مرحله می‌شود یک مرحله آزمایش. چه بسا اقوامی - از جمله مسلمین صدر اول - ابتدا خیلی خوب آزمایش می‌دهند، بعد که در آزمایش خوب از آب درآمدند، خداوند درهای رحمت، نصرت و پیروزی را به روی آنها باز می‌کند ولی فکر نمی‌کنند که تازه اول آزمایش دیگر است. آن آزمایش، آزمایش در سختی‌ها بود، در مقابل سختی‌ها پیروز بیرون آمدن؛ آزمایش در مقابل نعمت و رفاه نوع دیگری است، از این هم

باید پیروز بیرون آمد. ای بسا اقوام که همین قدر که به نعمت رسیدند، درست مثل حیوان های گرسنه ای که سال ها گرسنگی کشیده اند حالا که به علفزاری رسیده اند دیگر نمی فهمند چه بکنند؛ یعنی حالت رفاه زدگی.» (ج 27، ص: 802)

این اشاره به رفاه زدگی، بازمی گردد به ماجرای ثروتمند شدن بی رویه عده ای در دوران امیرالمومنین. اشاره به زندگی کسانی که سالیان سال در دوران حضرت رسول، در عبادت و تهجد به سر بردند و با جمع مسلمین به پیروزی رسیدند و اکنون در آزمایش «رویارویی با نعمت ها» قرار گرفته اند. یک دوره نداری و اکنون ثروت های کلان، نتیجه چه می شود؟ آغاز خوشگذرانی و تبدیل شدن به یک ملت رفاه زده، خوشگذران و عیاش. شهید مطهری پس از توضیح این مطلب بصراحت می گوید: «و همین قدر که مردمی به عیاشی عادت کردند، دیگر با هیچ نیرویی نمی شود، اینها را حرکت داد.» (ج 27، ص 802)

این است تفاوت دوران پیامبر اسلام و نخستین امام شیعیان. به تعبیر شهید مطهری: علی علیه السلام وارث وضع یک مردم رفاه زده بود. مردمی که دچار «سکر نعمت» یعنی مستی ناشی از رفاه شده بودند، چیزی که مولا مردم را نسبت به آن هشدار می دادند و می فرمودند: فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ الْيَعْمَةِ وَاحْذَرُوا بَوَائِقَ التَّقْمَةِ. یعنی: از «مستی های نعمت» بترسید و از بلای انتقام بهراسید. (ج 16، ص 550)

البته در میان این رفاه زندگان، عده ای از آزمایش صبر در برابر نعمت نیز پیروز خارج شدند، مانند ابوذر ها و مقدادها و عمارها.

نعمت های چند وجهی

همان طور که در ابتدای مطلب گفتم، پیوسته در برابر به دست آوردن و از کف دادن نعمت ها هستیم و پیوسته آزمایش می شویم، و پیروزی در آزمایش مواجهه با سختی ها و عدم رفاه زدگی، انتهای راه نیست. زیرا هر مرحله ای آزمایش های خودش را دارد. نتیجه چنین آزمایش هایی چیست؟

شخص تا به حدی ایمان را می چشد و زندگی می کند که دیگر هیچ تندباد و اتفاق متفاوتی نمی تواند او را از مسیرش تکان دهد. در وصف مومن آمده است که: كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ. یعنی عده ای مانند جناب ابوذر به جایی می رسند که نه سختی های دوران پیامبر و نه نعمت های جاری به سرزمین های اسلامی در دوران خلفا، هیچ یک او را در مسیر خود دچار لغزش نمی کند. (ج 16، ص: 69)

بنابراین نعمت بودن نعمت، به نوع عکس العمل ما نسبت به آن بستگی دارد، همان طور که نعمت بودن نعمت نیز به عکس العمل ما در برابر آن وابسته است. چه بسا کسی با نعمت رشد کند و چه بسا کسی با نعمت به پایین ترین درجات خود افول کند. پس نعمت و بلا هر دو نسبی هستند و جهت این نسبیت را ما در انتخابمان نشان می دهیم.

*ارجاعات بر اساس شماره جلد های مجموعه آثار استاد شهید مطهری در نرم افزار مرکز نور است.

حورا نژاد صداقت / جام جم